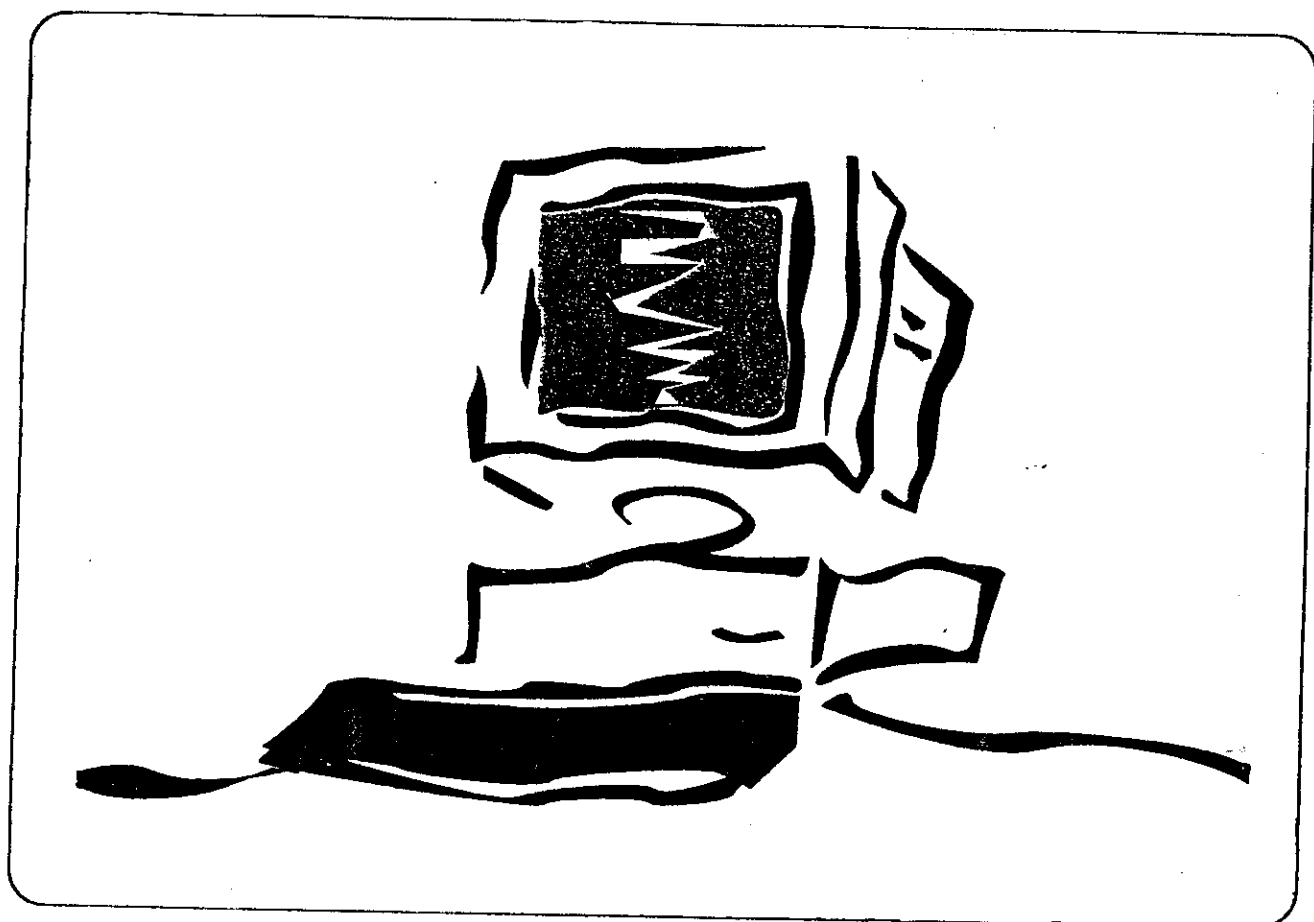

نشریه دانشجویان دانشکده کامپیوتر

دانشگاه صنعتی امیرکبیر

● شماره صفر ● آبان ۷۵ ● ۱۶ صفحه ●



علمی

■ دستورات کاربردی UNIX

■ تئوری fuzzy

فرهنگی - اجتماعی

■ دانشگاه امروز، دانشجوی امروز

■ این ترک پارسی گوی

■ وزیر سازش ناپذیر



فرخنده سیلا صدیقه کبری، فاطمه زهرا اس، دینز مادر مبارکبار

فهرست

- ۳ ● سرمقاله / ماهم دست به قلم بردیم
- ۴ ● اجتماعی / دانشگاه امروز، دانشجوی امروز
- ۵ ● گزارش
- ۶ ● علمی / تئوری fuzzy
- ۹ ● علمی / دستورات کاربردی UNIX
- ۱۲ ● ادبی / این ترک پارسی گوی
- ۱۳ ● داستان / وزیر سازش ناپذیر
- ۱۶ ● شعر

هیئت تحریریه:

امین چاروسه
مرتضی محمودزاده
محسن نادری بدر

همکاران این شماره:

امیر بهادر بیگلریگیان
محمد رضا خجسته
مصطفی ساسانی
غلامحسین شهربان

در انتظار پیشنهادها، انتقادهای و همچنین نظرگاههای شما در مورد نام نشریه هستیم.

بما از طریق صندوق شورای دانشجویی در ارتباط باشید.

ما هم دست به قلم بردیم.

از مدتها پیش به این فکر افتاده بودیم که یک جامعه، هر چند کوچک باشد احتیاج به رسانه دارد، و بهترین نوع رسانه هم برای یک جامعه دانشجویی نشریات دانشجویی است. این فکر را با دوستان مطرح کردیم و کم کم جمع شدیم و جلسه گذاشتیم و صحبت کردیم و نشریه دیواری و... و اینطور شد که حالا شماره صفر نشریه دانشجویان دانشکده کامپیوتر دانشگاه صنعتی امیر کبیر، پیش روی شماست.

ولی هدف ما از به راه انداختن نشریه چه بود؟

۱- اولین دلیل این کار به وجود آوردن محل و فضایی بود که دانشجویان بتوانند حرفها و نظراتشان در زمینه‌های مختلف را به هم منتقل کنند و علاوه بر این محلی باشد برای منتقل کردن نظرات دانشجویان و مسئولین دانشکده و دانشگاه به یکدیگر تا با همفکری و همکاری هم در صدد رفع معضلات جامعه دانشگاهی بکوشند و محیطی را ایجاد کنند که زمینه‌های رشد علمی و فرهنگی، برای همگان فراهم شود.

۲- دیگر از اهداف ما، تبیین هویت صنفی دانشجو و مطرح کردن حقوق و وظایف دانشجویان و در کنار آن

ریشه‌یابی علل رکود فکری و علمی دانشگاه‌هاست تا با مطرح کردن مشکلات موجود در نظام آموزش عالی و ارائه راه‌حلها و پیشنهادی جمع‌آوری شده‌ها و الگوهای ایده آل از دانشگاه در جهت اعتلای این مجموعه عظیم آموزش عالی که تربیت علمی و فرهنگی متخصصین آینده این مرز و بوم را برعهده دارند، بکوشیم.

۳- قسمت دیگر برنامه ما که اهداف آموزشی را شامل می‌شود عبارتست از: معرفی پیشرفتهای جدید در دنیای کامپیوتر، معرفی کاربردهای عملی کامپیوتر در صنعت و سایر علوم و رشته‌ها، ایجاد محلی برای طرح نظرات علمی و فنی دانشجویان، تقویت روحیه کار گروهی در جامعه دانشگاهی و ایجاد انگیزه برای مطالعات و تحقیقات علمی در دانشجویان.

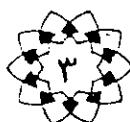
۴- دلیل دیگری که انگیزه ما را برای این کار تشکیل می‌دهد، این است که، به علت دور بودن فضا و جو دانشگاه از جو جامعه معمولاً برای دانشجویان در آغاز ورود به جامعه مشکلاتی پیش می‌آید و ما سعی داریم که با آشنا کردن دانشجویان با مسائلی که جامعه با آن دست به گریبان است و انتقال تجربیات دوره‌های گذشته به دوره‌های جدیدتر،

در رفع این مشکل، همت بگذاریم.
۵- و سرآخر آنکه

، به علت برخورد فرهنگهای مختلف از گوشه و کنار این خاک پرگهر، در دانشگاه محیط مناسبی برای بیان گوشه‌هایی از فرهنگ‌های قومی و بومی مختلف وجود دارد و ما خواستیم که با شناساندن سرمایه‌های فرهنگی نقاط مختلف ایران زمین، بر اتحاد و همدلی فرزندان این مرز و بوم افزوده باشیم.

امیدواریم که سنگ بزرگ، علامت نزدن نباشد، و این محقق نمی‌شود مگر با کمک و همکاری شما دوستان. انشاء... با بهره گرفتن از انتقادات سازنده و پیشنهادات راهگشا و مطالب آموزنده شما عزیزان گام به گام به اهداف خود، نزدیک شویم.

و نکته آخر در مورد نام نشریه است. چون نشریه برای شماست، شایسته‌ترین مرجع برای تصمیم‌گیری در مورد نام نشریه هم، شما هستید. امیدواریم که با نامهای زیبا و پر معنای پیشنهادتان هم ما را از به کار بردن مجدد این نام طولانی، که تکرار آن هم گوینده و هم شنونده را خسته می‌کند، نجات دهید و هم نشریه را صاحب شناسنامه کنید. ان شاء... والسلام



دانشگاه امروز، دانشجوی امروزی

هر کس که به نحوی با آموزش عالی سروکار داشته باشد به خوبی با مسائل و معضلاتی که نظام آموزش عالی کشور با آنها دست به گریبان است آشنایی دارد.

از آنجا که یکی از اهداف ما در نشریه مطرح کردن مشکلات موجود و در حد توان ریشه یابی و ارائه راه حل برای آنهاست تا با همکاری و همیاری دانشجویان و مسؤولین در جهت رفع این معضلات و حرکت به سمت وضعیت مطلوب جامعه دانشگاهی بکوشیم، لذا برآنیم تا صفحه‌ای ثابت برای این منظور در نظر بگیریم.

در همین جا از شما خوانندگان محترم خواهشمندیم تا با ارائه نقطه نظراتان ما را یاری فرمائید.

وقتی استاد دانشگاه وقت کافی ندارد، فرصت برای مطالعه و تحقیق و بررسی ندارد. تا بتواند خودش را با دانش روز وفق بدهد و جواب سؤوالهای دانشجویان را بدهد، وقتی اساتید دانشگاههای تهران که با چهل هزار تومان حقوق ماهیانه، برای پرداخت پنجاه هزار تومان اجاره خانه مجبور هستند که در دانشگاه آزاد دورقوزآباد تدریس کنند، وقتی دانشگاه کارخانه مدرک سازی شده است، چه کسی را باید ببینم و از چه کسی باید بپرسیم، بهره‌وری و افزایش کارایی برای دانشجو

و استاد یعنی چه؟

به راستی مقصر کیست؟

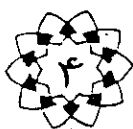
مقصر دانشجو است که به دنبال مدرک آمده؟ یا استاد دانشگاه که از بام تا شام سرکلاس درس تکراری می‌دهد؟ و شب هم فراموش می‌کند که یک برگ کتابی، مجله‌ای، تحقیقی بخواند تا ترم آینده همچون ترمهای گذشته گفته‌هایش تکراری نباشد و یا مقصر واقعی نظام آموزش عالی کشور است؟ و یا سیستم گزینش دانشجو باعث همه مشکلات است؟

از حق نگذریم دانشجویها هم مقصر هستند. آخر اگر دانشجو هستید کار کردنتان چیست؟ اگر مشتاق علم و تحصیل هستید در پارک نشستن‌تان چه معنی دارد؟ اگر قرار است بعد از فراغت از تحصیل در این مملکت به عنوان یک متخصص وارد بازار کار شوید کتاب نخواندنتان چرا؟ و اگر برای کسب علم و معرفت ترک دیار کرده‌اید، بیهوده گویی‌های مداوم در خوابگاهها برای چیست؟ از نظر فعالیت فکری و فرهنگی و اجتماعی هم که صفر. به قول یکی از دوستان انگار دانشگاه دچار ایست مغزی شده. و اصولاً دانشجوی این دوره و زمانه تنها فکرش شده درس، آن هم درسی که هیچ وقت، به سراغش نمی‌رود الا شب امتحان و همیشه از آن فراری است.

همیشه اول ترم، تا استاد کتاب معرفی می‌کند، همه داد و قالشان فضای ساکت کلاس را درهم می‌شکند که «استاد کتاب برای چی؟» پولش را لازم داریم. و راست هم می‌گویند. و از اول ترم تا آخر ترم استاد دیکته می‌گوید و دانشجویان می‌نویسند. بعد از چهار، پنج سال هم می‌گویند: «آنقدر جزوه نوشته‌ایم که خطمان بد شده».

البته وقتی برای قبول شدن در دانشگاه معیار گزینش کنکوری باشد که معلوم نیست در آن برچه اساس و پایه‌ای سؤال طرح می‌شود، و تعداد دانشجویان یک کلاس در دروس تخصصی حداقل ۲۵ نفر و در سایر دروس الی ماشاء... است، دور از انتظار نیست که این نیرو بعد از فارغ‌التحصیل شدن و جذب در سازمانها و مراکز مختلف مورد تمسخر کارکنان قدیمی قرار بگیرد و مرتب از دهان آنها بشنود که: «پس توی دانشگاه چی به شما یاد داده‌اند؟ چهار سال عمر خودتان و پول دولت را تلف کردید» تازه این دانشجوی دانشگاه دولتی است و وضع دانشگاه آزاد هم «والذاریات» دیگری است.

ولی قرار بود که دانشگاه خیلی چیزها را به دانشجو یاد بدهد و هنوز هم قرار همان است نه تنها در زمینه‌های علمی بلکه در زمینه‌های فرهنگی هم. ما هنوز هم مشتاق تحقیق و پژوهشیم. هنوز هم



مشتاق نشستن پای درس استاد هستیم اما نمی‌دانیم چرا بعد از چند سال کتاب خواندن و جزوه نوشتن دست خالی تحویل جامعه داده می‌شویم.

راستی چرا؟

آموزش عالی هم مقصر است. وقتی فقط به فکر افزایش کمیت باشید تا کیفیت وقتی به علت برنامه‌ریزی غلط دانشجویان دانشگاه بندر عباس باید برای اخذ واحد در ترم تابستان به بابل‌سر بروند، این وضع چندان دور از انتظار

نیست. هنگامیکه پیش از برنامه‌ریزی برای توسعه کیفی دانشگاهها، برای افزایش ظرفیت دانشجوی برنامه ریخته می‌شود، با منابع محدود و امکانات ناکافی موجود چگونه می‌توان حداقل سالی چند صد کارشناس کار آفرین و مثرتر تحویل جامعه داد. وقتی اینها را می‌بینیم به نظرمان می‌آید که واقعاً برنامه‌ها «ریخته» می‌شود.

وقتی معیار قبولی در ترمهای دانشگاه فقط نمره است نه تحقیق و پژوهش

توسط دانشجو آیا می‌توان انتظار داشت، دانشجویان به رقابت علمی بپردازند؟ شاید اگر اینگونه نبود دانشجویان به جای جدول حل کردن و مشق نوشتن سر کلاس به درس استاد گوش می‌دادند و به جای وقت تلف کردن در بیرون از کلاس، کتاب می‌خوانند و به فردایی که باید به دست آنها ساخته شود فکر می‌کردند.

گزارش

برای تهیه گزارش بطرف دانشگاه صنعتی امیر کبیر روانه شدم و از آنجائیکه رشته خودم کامپیوتر است ترجیح دادم تا اول سراغ دانشکده مهندسی کامپیوتر این دانشگاه بروم و اولین گزارش خود را از این مکان تهیه نمایم. آنچه که در زیر می‌خوانید قسمتی از گزارش بنده است از دانشکده مهندسی کامپیوتر.

از درب اصلی دانشگاه وارد شده و پس از رد شدن از جلوی ساختمان کتابخانه مرکزی و دانشکده عظیم الجثه معدن به ساختمان نسبتاً کوچک دانشکده کامپیوتر رسیدم در اولین برخورد حرف M واقع در سردر دانشکده و پله‌هایی که آدم را یاد منحنی هیلکس در ریاضی ۲ می‌اندازد نظرم را به خود جلب کرد. بیشتر علاقمند شده و داخل رفتم. با

اینکه وسط روز بود و طبیعتاً می‌بایستی همچون دانشکده‌ای در این ساعت مملو از دانشجو باشد ولی با وجود این تعداد کل افراد حاضر در دانشکده حداکثر به ۳۰ نفر می‌رسید با خود گفتم نکند اینجا دانشکده متروکه کامپیوتر است و اصل دانشکده در جای دیگری است. و یا اینکه بالاخره دانشکده‌ای پیدا شده که خواسته بجای کمیت به کیفیت پردازد و واقعاً تعداد دانشجویان اینقدر کم است و هزاران افکار جور یا ناجور دیگر... بالاخره یکی را پیدا کرده و سئوالاتم را ازش پرسیدم:

س - ببخشید تعداد دانشجویان این دانشکده چند نفر است؟
ج - تعداد دقیق را نمی‌دانم ولی با پذیرش سالی حداقل ۶۰ دانشجوی کارشناسی و ۲۰ نفر دانشجوی کارشناسی ارشد فکر نمی‌کنم

تعداد دانشجویان رقم پایینی باشد.

س - پس چرا تعداد دانشجویان حاضر

در دانشکده تان اینقدر کم است؟

ج - خوب برای اینکه اینجا کاری ندارند

آزمایشگاه و مرکز کامپیوترشان در طبقه

۹ دانشکده نساجی، کتابخانه شان در

دانشکده برق و کلاسهایشان نیز در کل

دانشگاه پراکنده است.

س - منظورتان از قرار داشتن کلاسها در

کل دانشگاه چیست؟

ج - ببخشید من دیگر وقت ندارم الان

در کلاس ۲۷ ریاضی درس دارم بعد باید

بروم ۳۰۵ نساجی و بعد از آنهم ۲۱۴

برق و بعد هم در طبقه ۹ نساجی

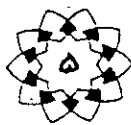
آزمایشگاه و ...

گزارش بعدی از وضعیت کتابخانه،

کلاسها و آزمایشگاههای این دانشکده

خواهد بود.

گزارشگر ویژه



مجموعه‌های شناخته شده برای ما (تا بحال) عناصر گیتی را به دو گروه تقسیم می‌کردند: اعضا (که به مجموعه تعلق دارند) و غیر اعضا (که با قطعیت به مجموعه تعلق ندارند). یک لبه تیز و غیر مبهم بین این دو قسمت وجود دارد که از مشخصه‌های این مجموعه‌هاست. ولی خیلی از مجموعه‌هایی که ما روزانه با آنها سروکار داریم و در زبان طبیعی، آنها را بکار می‌گیریم، مثل: انسانهای قد بلند، ماشینهای گران، اعداد خیلی بزرگ، یا روزهای آفتابی، این لبه را شامل نیستند. مرز آنها مبهم بنظر می‌آید و تفاوت اعضا با غیر اعضا در این مجموعه‌ها به طور پیوسته و با درجه تغییر می‌کند، بجای اینکه پرشی از اعضا به غیر اعضا داشته باشیم.

بنابراین مجموعه فازی، ابهام را تعریف می‌کند. (با هدف کم کردن پیچیدگی) و این کار را با حذف مرز قطعی بین اعضا و غیراعضا در یک مجموعه انجام می‌دهد. یک مجموعه فازی می‌تواند به طور ریاضی وار، با انتساب یک مقدار به هر عضو در مجموعه مرجع، که بیانگر درجه عضویت آن عضو در مجموعه فازی است، تعریف شود.

بنابراین، اعضاء ممکن است که با درجه بیشتر یا کمتر (نسبت به یکدیگر) به یک مجموعه فازی تعلق داشته باشند. برای نشان دادن این موضوع، به ترتیب از درجه بیشتر یا کمتری برای آنها استفاده می‌شود.

این درجات عضویت اغلب با اعداد حقیقی محدود به فاصله بسته $[0, 1]$ تعریف می‌شوند.

بنابراین یک مجموعه فازی بیانگر واژه آفتابی می‌تواند درجه ۱ را به مقدار ۰٪ ابر بدهد، درجه ۰/۸ را به مقدار ۲۰٪ ابر بدهد، ۰/۴ را به ۳۰٪ ابر و ۰ را به ۷۵٪ ابر (و بالاتر) بدهد.

بدلیل وجود عضویت کامل (درجه ۱) و عدم عضویت کامل (درجه صفر) در مجموعه‌های فازی، ما می‌توانیم مجموعه‌های فعلیمان را حالت محدود شده‌ای از مجموعه‌های فازی بدانیم که تنها دو درجه عضویت (۱ و ۰) را اجازه می‌دهند.

سعی ما بر این است که در ادامه این سلسله مقالات، اساس تئوری مجموعه‌های فازی و پیوستگی آن را با اطلاعات، عدم قطعیت و پیچیدگی، به شما معرفی نماییم. پس ابتدا مروری خواهیم داشت بر این دانسته‌هایمان.

مروری بر مجموعه‌های غیر فازی (CRISP SETS)
 M مجموعه مرجع ما در هر مورد است.

$\forall x \in M ; x \in A \vee x \notin A$ - علامت عضویت می‌باشد.

{Ai | i ∈ I} - مجموعه‌ای که عناصر آن، خود مجموعه هستند با عنوان خانواده مجموعه‌ها شناخته می‌شوند.

که در عبارت بالا، مشخصه مجموعه و I مجموعه مشخصه‌هاست.

- اگر هر عضو A، عضوی از B باشد، $A \subseteq B$ را زیر مجموعه‌ای از B می‌گوییم: $A \subseteq B$. - هر مجموعه زیر مجموعه‌ای از خودش است و نیز زیر مجموعه‌ای از مجموعه مرجع.

if $A \subseteq B \wedge B \subseteq A \Rightarrow A = B$

if $A \subseteq B \wedge A \neq B \Rightarrow A \subset B$

در این حالت A را زیر مجموعه محض B می‌گوییم.

- مجموعه‌ای که دارای هیچ عضوی نمی‌باشد، را تهی می‌گوییم و با علامت \emptyset نشان می‌دهیم. این مجموعه زیر مجموعه هر مجموعه‌ای می‌باشد.

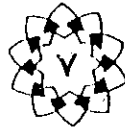
- روالی که با آن اعضای مجموعه مرجع تحت عناوین اعضا و غیر اعضای یک مجموعه A، اسم گذاری می‌شوند می‌تواند با یک تابع تفکیک کننده تعریف شود. برای مجموعه فرضی $A \subseteq M$ ، این تابع به هر $x \in M$ یک مقدار $\mu_A(x)$ منسوب می‌دارد بطوریکه

$$\mu_A(x) = \begin{cases} 1 & \text{اگر و تنها اگر } x \in A \\ 0 & \text{اگر و تنها اگر } x \notin A \end{cases}$$

بنابراین، این تابع اعضا مجموعه مرجع را به مجموعه حاوی ۰ و ۱، نگاشت می‌کند.

$\mu_A : x \rightarrow \{0,1\}$

- مکمل (یا متمم) نسبی یک مجموعه A نسبت به مجموعه B، مجموعه‌ای است که همه اعضا B را که به A تعلق ندارند، شامل



است:

$$B - A = \{x \mid x \in B \wedge x \notin A\}$$

حال اگر B، مجموعه مرجع باشد (B = M)، مکمل A، مطلق است و با \bar{A} نمایش داده می شود.

$$\bar{\bar{M}} = \phi, \bar{\phi} = M, \bar{\bar{A}} = A$$

- اجتماع دو مجموعه بصورت روبرو تعریف می شود:

$$A \cup B = \{x \mid x \in A \vee x \in B\}$$

$$A \cup \bar{A} = M, A \cup \phi = A, A \cup M = M$$

نیز می دانیم که اشتراک دو مجموعه بصورت روبرو تعریف می شود:

$$A \cap B = \{x \mid x \in A \wedge x \in B\}$$

$$A \cap \bar{A} = \phi, A \cap \phi = \phi, A \cap M = A$$

- A و B را دو مجموعه جدا از هم گوئیم اگر $A \cap B = \phi$

- افزاز مجموعه A بصورت روبرو و تعریف می شود:

$$\pi(A) = \{A_i \mid i \in Z, A_i \subseteq A\}$$

$$\forall i, j \in I, i \neq j; A_i \cap A_j = \phi, \bigcup_{i \in Z} A_i = A, A_i \neq \phi$$

که در آن

پس هر عضوی از A به یکی از A_i ها تعلق دارد.

- دیگر خواص این مجموعه ها عبارتند از: (به اختصار)

Involution

$$\bar{\bar{A}} = A$$

Commutativity

$$A \cup B = B \cup A$$

Associativity

$$(A \cup B) \cup C = A \cup (B \cup C)$$

Distributivity

$$A \cap (B \cup C) = (A \cap B) \cup (A \cap C)$$

Idempotent

$$A \cup A = A$$

Absorption

$$A \cup (A \cap B) = A$$

Identity

$$A \cup \phi = A, A \cap M = A$$

Demorgan's laws

$$\overline{A \cap B} = \bar{A} \cup \bar{B}, \overline{A \cup B} = \bar{A} \cap \bar{B}$$

(به اضافه دوگان روابط بالا).

در قسمت بعدی، سعی ما بر این خواهد بود که نظریه مجموعه های فازی را با توجه به تفاوت هایی که در موارد مذکور در بالا برای مجموعه های غیر فازی با آنها دارند، بیان کنیم و سپس به تفاوت های منطقی آنها بپردازیم.

1-Kosko, Bart; " NEURAL NETWORKS AND FUZZY SYSTEMS ";

مراجعه:

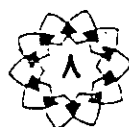
Prentice-Hall International, Inc, 1992.

2-Yager, Lotfi A. Zadeh; " FUZZY SETS, NEURAL NETWORKS ";

VAN NOSTRAND REINHOLD, New York, 1994.

3- Klir, Fogler; " FUZZY SETS, UNCERTAINTY, AND INFORMATION ";

Prentice-Hall, Englewood Cliffs, New Jersey, 1988.



دستورات کاربردی یونیکس UNIX

علی مقدم

اگر شما هم از استفاده کنندگان سیستم عامل UNIX باشید حتماً با ویرایشگر vi آشنا شده‌اید. این ویرایشگر، با وجود ظاهر خشن و خسته کننده‌اش، قدرت زیادی دارد و امکانات فراوانی برای جستجو، ویرایش و تغییر فایل‌های متن در اختیار کار برقرار می‌دهد. با وجود این، بسیار اوقات شما نیاز دارید بطور مستقیم و بدون وارد شدن به vi فایلها را جستجو کرده بر روی محتویات آن عملیات ویرایشی را انجام دهید. مثلاً ممکن است بخواهید از درون یک دست نوشته پوسته (برنامه‌هایی که با استفاده از دستورات پوسته csh و sh یا ... ساخته می‌شوند) فایلی را ویرایش کنید. در این قبیل موارد، یونیکس دستورات متنوعی را برای انجام عملیات روی فایلها ارائه می‌کند. (الف) جستجو درون فایلها:

بسیاری اوقات شما می‌خواهید بدانید آیا کلمه یا عبارتی در یک (یا چند) فایل استفاده شده است یا نه. در این قبیل موارد از دستور grep استفاده می‌شود. شکل کلی این دستور به این صورت است:

فایل مورد نظر عبارت مورد جستجو grep
بعنوان مثال فرض کنید شما می‌خواهید بدانید که آیا اسم ahmad در فایل /etc/passwd (که مشخصات همه استفاده کنندگان از سیستم را در خود نگه می‌دارد) آمده یا نه؟
در این صورت دستور زیر را وارد می‌کنید:

```
grep ahmad /ect/passwd
```

و مثلاً ممکن است خروجی به این شکل باشد:

```
ahmadi: P600 Mid3RMNOC: 336:11:ahmadi:/home/ce/ahmadi:/bin/csh
```

```
mahmadi:: 404 : 11: mahmod-ahmad:/home/amirkabir/mahmadi:/bin/csh
```

```
behnam: ydqzu/si55ylc: 614:11: Saied - ahmadi- behnam:/home/ce/behnam:/bin/csh
```

یکی از مهمترین موارد استفاده این فرمان، یافتن فایل‌هایی است که یک نام متغیر یا تابع خاص در آنها استفاده شده. مثلاً ممکن است شما بخواهید ببینید در کدامیک از فایل‌های برنامه بزبان C در دایرکتوری جاریتان از تابع getchar استفاده شده و در کدام خط آن:

```
grep -n getcher *.c
```

```
first.c: 124: while ( (c=getchar (1) )!='\n'){
```

و مثلاً خروجی شبیه این است:

```
Slave.c : 11: c=getchar();
```

این دستور تمام فایل‌هایی را که در انتهای نامشان c وجود دارد برای یافتن رشته جستجو می‌کند و اسم فایلها را هم در ابتدای خطوط پیدا شده می‌آورد. با استفاده از سویچ -n شماره خطی که عبارت در آن فایل در آن آمده هم چاپ می‌شود.

(ب) تبدیل کاراکترها:

دستور tr امکان تبدیل تعدادی از کاراکترها را به کاراکترهای دیگر فراهم می‌کند. این دستور ورودیش را از دستگاه ورودی استاندارد (در حالت عادی صفحه کلید) خوانده بر خروجی استاندارد (در حالت عادی صفحه نمایش ترمینال) می‌فرستد. فرم کلی دستور به این شکل است:

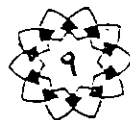
رشته دوم رشته اول tr

که رشته‌های اول و دوم باید دارای طول یکسان باشند. در این صورت کاراکتر اول رشته اول با کاراکتر اول رشته دوم جایگزین می‌شود و بقیه هم بهمین ترتیب با کاراکترهای متناظر جایگزین می‌شوند.

مثلاً فرض کنید شما می‌خواهید در برنامه first.c تمام حروف x را به a و تمام حروف y را به b تبدیل کنید. از این دستور استفاده می‌شود:

```
tr xy ab < first.c
```

و البته فایل اصلی در اینجا تغییر نمی‌کند، بلکه فایل بصورتی که تغییر بر روی آن اعمال شود روی صفحه چاپ می‌شود. مثال دیگر تبدیل تمام حروف بزرگ در فایل text به حروف کوچک است:



tr[A-Z] [a-z] < text > text.New

همچنین جایگزینی کاراکترهایی که قابل نمایش نیستند، با استفاده از یک علامت ممیز وارونه (ٲ) به همراه کد مبنای ده کاراکتر قابل انجام است. مثلاً برای تبدیل کاراکتر خط جدید به جای خالی از این دستور استفاده می شود:

tr '\13' "

ج) مرتب کردن محتویات فایلها:

با استفاده از دستور sort خطوط فایلها بترتیب خاصی (که باید مشخص شود)، مرتب می شوند. این دستور هم از ورودی و خروجی استاندارد استفاده می کند و بنابراین برای فرستادن فایلها به آن باید از علائم تغییر مسیر (< | >) استفاده کرد. اگر این دستور به تنهایی بکار رود، خطوط ورودی را به ترتیب حروف و بر اساس، کدهای اسکپی (ASCII) مرتب می کند. در این ترتیب، ابتدا فضای خالی (Space) قرار می گیرد، سپس اعداد (1-9)، بعد حروف بزرگ (A-Z) و پس از آن حروف کوچک (a-z). بعنوان مثال برای مرتب کردن فایل /ect/passwd به ترتیب اسم کاربرها از دستور زیر استفاده می شود:

sort < /ect/ passwd

برای آنکه مرتب کردن به ترتیب عددی انجام شود، از سویچ -n استفاده می شود. سایر سویچهای فرمان sort اینها هستند:

-d در حالت پیش فرض، تمام کاراکترهای روی خط را بعنوان کاراکترهای معنی دار در نظر می گیرد. گزینه فوق باعث می شود که تنها حروف، ارقام، فضاها و خالی و tab ها را در نظر بگیرد.

-f با استفاده از این گزینه حروف کوچک و بزرگ یکسان فرض می شوند.

-r ترتیب انجام عمل مرتب سازی را بصورت نزولی (از آخر به اول) درمی آورد (پیش فرض صعودی است) دستور sort در حالت پیش فرض تمام خط را در نظر می گیرد. ولی می توان به آن گفت که از کدام فیلد تا کدام فیلد را در انجام عمل مرتب سازی در نظر بگیرد. اینکار با استفاده از علامتهای + و - انجام می شود.

برای تغییر جداکننده فیلدها (که در حالت پیش فرض جای خالی یا tab است) از سویچ -tc که کاراکتر مورد نظر است استفاده می شود. بعنوان مثال برای مرتب کردن فایل /ect/passwd بترتیب پوسته مورد استفاده و پس از آن اسامی ورود از این دستور استفاده می شود.

sort +6 -7 +0 -1 < /ect/passwd

د) ترکیب کردن فایلها باهم:

پس از آنکه شما فایلها را براساس دستوری مرتب کنید، می توانید دو فایل را که دارای یک فیلد مشترک هستند برداشته بهم پیوند بزنید. بعنوان مثال: فرض کنید شما یک فایل از اسامی و شماره های دانشجویی و یک فایل از شماره های دانشجویی و معدل دارید ولی می خواهید یک فایل کامل از اسامی، شماره و معدل داشته باشید

7430201 14.5

فایل دوم:

7430201 ALI

فایل اول:

7490342 17

7490342 LILA

7032912 10.75

7032912 MAJID

join file1 file2

دستور زیر را وارد می کنیم:

7430201 ALI 14.5

و نتیجه این خواهد بود:

7490342 LILA 17

7032912 MAJID 10.75

اگر بخواهید فقط تعدادی از فیلدها بعنوان خروجی چاپ شوند، مثلاً تنها نمره و اسمها چاپ شوند، از سویچ -o m.n استفاده می کنیم که فیلد n ام از فایل m ام را چاپ می کند.

join -o 1.2 2.2 file1 file2

مثلاً دستور روبرو:

ALI 14.5

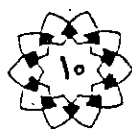
این خروجی را خواهد داشت:

LILA 17

MAJID 10.75

جداکننده پیش فرض فیلدها مانند دستور sort با گزینه -tc تعیین می شود.

ه) یافتن خطوط مشترک:



دستور comm برای یافتن تعداد خطوط مشترک دو فایل بکار می‌رود و مانند join تنها بر روی فایل‌های مرتب شده عمل می‌کند. این دستور سه عدد بعنوان خروجی می‌دهد که اولی تعداد خطوطی است که در فایل اول هست و در فایل دوم نیست، دومی تعداد خطوطی است که در فایل دوم هست ولی در فایل اول نیست و عدد سوم تعداد خطوط مشترک دو فایل است و هر کدام از این سه عدد را می‌توان با مشخص کردن شماره‌اش بوسیله علامت منها از خروجی حذف کرد. مثلاً دستور comm -12 file1 file2 تنها تعداد خطوط مشترک دو فایل را می‌شمارد.

(و) مقایسه کلی دو فایل:
برای دانستن آنکه محتویات دو فایل کاملاً مشابه است یا نه از دستور cmp استفاده می‌شود:

cmp file1 file2

اگر دو فایل کاملاً مشابه باشند cmp هیچ خروجی نخواهد داشت و در غیر اینصورت شماره بایت و شماره خط اولین اختلاف یافته شده بین دو فایل چاپ خواهد شد.

(ز) ویرایش فایلها در خط فرمان:

گاهی شما می‌خواهید خروجی فرمان دیگری را ویرایش کنید. اینکار بوسیله دستور و یک خط - لوله (pipe) که به شکل (|) در زیر علامت () قرار دارد ممکن است. حتماً شما با خط فرمان ویرایشگر vi که با زدن کلید دو نقطه (:) در مد فرمان در دسترس است آشنا هستید. دستورات این مد را می‌توانید با استفاده از دستور sed بطور مستقیم و بدون ورود به vi انجام دهید. البته همه دستورات کاملاً شبیه vi نیستند، مثلاً شما نمی‌توانید بوسیله sed در فایل به جلو و عقب حرکت کنید. یعنی خطوط تنها به همان ترتیبی که هستند ویرایش می‌شوند. در حین ویرایش خطوط شماره می‌شوند و این می‌تواند در تعیین محدوده‌ای که تغییرات باید روی آن اعمال شوند کمک کند. خطوطی که در محدوده تعیین شده نیستند بدون تغییر از ورودی بر روی خروجی کپی می‌شوند.

مثال

cat /etc/passwd | sed 's/:/ / g'

این خط لوله، محتویات فایل /etc/passwd را بدون sed می‌فرستد و سپس هر علامت دو نقطه (:) با یک جای خالی عوض می‌شود. دقت کنید که در اینجا اصل فایل تغییر نمی‌کند. بلکه تنها یک کپی از آن برداشته شد. همچنین بخاطر داشته باشید که رشته فرمان بین دو گیومه ساده () قرار می‌گیرد. فرض کنید شما می‌خواهید تنها خطوط ۱۰ تا ۱۵ را لیست کنید.

cat /etc/passwd | sed '10,15 p'

این دستور باید اینکار را انجام دهد:
ولی آنچه انجام می‌شود قدری متفاوت است: تمام خطوط لیست می‌شوند و خطوط ۱۰ تا ۱۵ دوبار تکرار می‌شوند. برای جلوگیری از لیست شدن همه خطوط از سویچ -n استفاده می‌شود:

cat /etc/passwd | sed -n '10,15 p'

که تنها خطوط ۱۰ تا ۱۵ را لیست می‌کند.

دستور دیگر (y) است که امکان تبدیل کاراکترها را (مانند دستور tr) می‌دهد و البته در vi نظیری ندارد. البته مانند tr نمی‌توان دامنه‌ای از کاراکترها را استفاده کرد.

cat file -1 | sed 'y()/[]'/> file/2

دستور فوق تمام چیزهایی را که در داخل پرانتز محصور شده‌اند، داخل براکت قرار می‌دهد.

sed '10,15 d'

برای حذف خطوط از خروجی از دستور d استفاده می‌شود:

گاهی شما شماره خطوطی را که باید ویرایش شوند، نمی‌دانید. در این قبیل موارد، می‌توانید رشته‌ای را بین یک جفت خط ممیز (/) بیاورید. مثلاً: sed '/ ^\$/d' تمام خطوط خالی را از فایل ورودی حذف می‌کند. سرانجام آنکه اگر تعداد دستورات ویرایشی بیش از یک خط باشد، می‌توان آنها را در یک فایل قرار داد و اسم فایل را با استفاده از گزینه -f مشخص کرد:

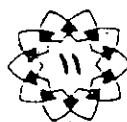
sed -f cmdfile

با استفاده از این دستورات و سایر دستورات یونیکس و استفاده از خط - لوله‌ها و علائم تغییر مسیر، می‌توانید بسیاری کارهای پیچیده را بر روی فایلها انجام دهید.

در قسمتهای بعدی سعی می‌شود تا خوانندگان با مثالهایی از این قبیل که قدرت برنامه‌نویسی پوسته را نشان می‌دهند بیشتر آشنا شوند.

Cornes , Philip ; "UNIX & C" ;

(CHAPMAN & HALL)



این ترک پارسی گوی

مر تضحی محمودزاده

اشاره

«... بیش از نیم قرن، شهریار، زمین و دل دوستداران ادبیات و هنر را با شعر خود و با صفا و خلوصی که از آن چلچراغ رنگارنگ می‌تراوید، نور باران می‌کرد و با زبانی که اگر نه زبان مادری او، اما زبان دل و روح و احساس او بود به دل‌های شیدا، شور و حال می‌بخشید و بزرگترین گنجینه غزل و قطعه و مثنوی معاصر را که تنیده و بافته‌ای از ابریشم خیال و ذوق و زبان و فکر او بود می‌آفرید و می‌اندوخت و آنگاه که این ترک پارسی گوی، زبان به شعر آذری می‌گشود، آن همه را به دو چندان و همراه با استادی بی‌نظیر خود در معرض تماشای هنرمندان و هنرشناسان می‌گذاشت...» قسمتی از پیام مقام معظم رهبری به مناسبت درگذشت استاد شهریار

شهریار بدون شک یکی از چهره‌های برجسته شعر و ادب پارسی سرزمین اسلامی ایران است. شاعری که هر چند از خطه هنرپرور آذربایجان برخاسته و لیکن متعلق به این خطه نبوده و نیست، بلکه متعلق به همه سرزمین‌هایی است که به نحوی با زبان و ادب پارسی آشنایی و قرابت دارند؛ از کشور جمهوری اسلامی ایران که مهد فرهنگ و تمدن پارسی است تا همسایگان	شمالی ما چون آذربایجان شوروی سابق، تاجیکستان و نیز افغانستان، پاکستان، هندوستان، همه و همه با اشعار شهریار مانوس و از چشمه جوشان فیض او بهره‌مند شده‌اند.	جهانیان معرفی کرد و در قلوب عاشقان حضرتش جای گرفت. همچنین منظومه «حیدر بابایه سلام» شاهکاری است که شعر شهریار را بطور کامل می‌نماید و در نزد هموطنان ترک زبان و دیگر آشنایان به زبان آذری جایگاهی بس رفیع یافته است به همین منظور قسمتی از منظومه حیدر بابایه سلام او را همراه با ترجمه منظوم فارسی آن در اینجا می‌آوریم.
--	---	---

حیدر بابا دنیا یالان دنیادی	سلیمانانان نوحان قالان دنیادی
دنیاهمه دروغ و فسون و فسانه شد	کشتی عمر نوح و سلیمان روانه شد
او غول دوغان، درده سالان دنیادی	هر کیمسیه هر نه و ثریب، آلبیدی
ناکام ماند هر که در این آشیانه شد	بر هر که هر چه داده زدستش ستانده است

افلاطون‌دان بیر قوری آدقالبیدی

نامی تهی برای فلاطون بمانده است

حیدر بابا، یاز- یولداشلار دؤندولر	بیر- بیر منی چولده قویوب، چوندولر
حیدر بابا گروه رفیقان و دوستان	برگشته یک به یک زمن و رفته بی نشان
چشمه لریم، چراغ لاریم، سوندولر	یامان یترده گون دوندی، آخشام اولدی!
مرد آن چراغ و چشمه بخشکیدهمچنان	خورشید رفت و روی جهان را گرفت غم

دنیا منه خرابه شام اولدی

دنیا مرا خرابه شام است دم بدم



وزیر سازش ناپذیر

نوشته: جفری آرچر
ترجمه: اسدا... امرایی

بدبین‌ترین افراد هم به صداقت او در اصلاحات و مبارزه با فساد پی بردند. ژنرال اتوبی چنان اعتمادی به او پیدا کرد که یک روز بدون مقدمه او را برای مشاوره به حضور خواند. ژنرال در پادگانی نظامی او را به حضور پذیرفت و در دفتر کارش که به میدان رژه مشرف بود به او صندلی تعارف کرد. گفت: گزارش نهایی بودجه را خوانده‌ام. نتیجه‌گیری شما خیلی جالب بوده چرا باید خزانه دولت از حق و حساب و کمسیون‌های میلیونی شرکت‌های خارجی محروم بماند؟ شما فکر می‌کنید این پول‌ها توی جیب چه کسانی می‌رود؟ شما را هم برای همین احضار کرده‌ام.

ایگناتیوس راست نشست و بی‌آنکه چشم برگرداند گفت: «این پول‌ها به حسابهای جاری افراد در سوئیس واریز می‌شود. اما فعلاً مدرکی در دست ندارم.»

ژنرال گفت: «اختیار تام می‌دهم. هر وسیله و امکانی که برای رسوا کردن افراد خائن و پست لازم دارید در اختیارتان می‌گذارم تک تک اعضای دولت چه فعلی چه قبلی برای تحقیق و تفحص با شما همکاری می‌کنند. در این راه ملاحظه احدی را نباید بکنید. هر کس در هر مقامی که باشد باید حساب پس بدهد.»

ایگناتیوس گفت: «برای انجام این

کارشناس ارشد امور اقتصادی بود از اتباع لبنان. او را هم به جرم نقض مقررات ارزی، بدون محاکمه از کشور اخراج کردند. یک ماه بعد از آن حادثه‌ای پیش آمد که خود جناب وزیر هم آن را زهر چشمی کاری به حساب آورد. یکی از مقامات ارشد شهربانی به اتهام قبول رشوه بازداشت شد. این رشوه‌ها از نظر مقامات پایتخت نشین جزو درآمدهای لاینفک به حساب می‌آمد. چهار ماه بعد از محکومیت فرمانده شهربانی به هیجده ماه زندان، جناب وزیر به صفحات اول نشریات پایتخت راه یافت. در سر مقاله روزنامه لقب سازش ناپذیر را به دم او بستند. سازش ناپذیری که با اقدامات خود خواب از چشم عوامل نالایق و فاسد ربوده بود. با گسترش موج دستگیری و برکناری افراد فاسد آقای سازش ناپذیر شهرتی بیشتر کسب کرد. حتی شایع شد که ژنرال اتوبی رئیس حکومت هم در فهرست مظنونین وزیر دارایی قرار دارد. از آن به بعد کلیه معاملات خارجی که بار مالی آنها از صد میلیون دلار بیشتر بود فقط با تایید ایگناتیوس اعتبار داشت. مخالفان و دشمنان به دنبال گزک همه اقدامات او را موشکافانه دنبال می‌کردند اما نتوانستند کوچکترین تخطی در اعمال او ببینند. وقتی دو سال از خدمت صادقانه او گذشت.

انتصاب «ایگناتیوس اگرپی» به وزارت دارایی نیجریه خیلی بی سر و صدا برگزار شد. مردم که این جور آدم‌ها را نادرست و نالایق می‌دانستند گفتند: چه فرقی می‌کند یکی رفت و یکی دیگر جای او را می‌گیرد. این هفدهمین وزیر دارایی است سالی یک وزیر.

ایگناتیوس در مجلس از برنامه‌های خود دفاع کرد و گفت رشوه‌خواری و فساد مالی را در ادارات دولتی ریشه کن می‌کند. به صراحت تمام گفت هرکس در هر مقام و منصب دولتی خطا کند از تعقیب در امان نمی‌ماند. نطق او با این پیام به پایان رسید:

«تصمیم قاطع گرفته‌ام که ریشه‌های رو به گسترش فساد را در کشور بخشکانم.» نطق جناب وزیر در مجلس مثل همه نطق‌های وزرای قبلی بود و در نشریات مهم به سادگی از کنار آن گذشتند. خوانندگان چه تقصیری داشتند که نطق‌های بی فایده وزراء را بخوانند. آخر عین آن حرف‌ها را قبلاً هم شنیده بودند.

اما ایگناتیوس از این بی‌اعتنایی‌ها دلسرد نشد. با اراده‌ای استوار بر سر کار خود حاضر شد و برنامه‌اش را پی گرفت. در اولین روز انتصاب یکی از کارمندان دون پایه وزارت بازرگانی را به جرم جعل اسناد و سندسازی واردات غله به زندان انداخت. دومین نفری که پرش دم قیچی او رفت



خدمت و تکلیف حکم اختیارات ویژه با فرمان حضرت تعالی لازم است.»

رئیس حکومت گفت: «تا ساعت ۶ امروز حکم روی میزتان است.»

- ضمناً برای موارد فوق العاده که ناگزیر می‌شوم به خارج بروم حکم سفیر تام الاختیار می‌خواهم.»

- «قبول. چیز دیگری نمی‌خواهید؟»

ایگناتیوس که کار خود را تمام شده می‌دانست بلند شد که مرخص شود. وقتی از در بیرون می‌رفت ژنرال تپانچه کوچکی در آورد و به او داد و گفت: «حالا شما هم به اندازه من برای خودتان دشمن تراشیده‌اید. این به دردتان می‌خورد.»

ایگناتیوس با دلخوری هفت تیر را گرفت و از اتاق بیرون رفت و به وزارتخانه برگشت.

از همان روز بدون اطلاع دادن به رئیس بانک مرکزی و سایر وزراء و مقامات دست به کار شد. شبها پرونده‌ها و اسناد را زیر و رو می‌کرد اما هر سر نخ به دست می‌آورد از دیگران مخفی می‌کرد. سه ماه بعد آماده شده بود تا ضربه کاری را بزند. تصمیم گرفت از کشور خارج شود. ماه اوت را انتخاب کرد چون غالب افراد در مرخصی بودند و نبود او عادی تلقی می‌شد و هیچ حرف و حدیثی بر نمی‌انگیخت. از منشی مخصوص خود خواست برای او و زن و دو فرزندش بلیت هواپیما بگیرد و پول آن را هم از حساب شخصی‌اش پرداخت. به فلوریدا رفتند و در هتلی اتاق گرفتند. ایگناتیوس به زنش گفت: چند روزی در نیویورک کار دارد، بعد می‌آید و باقی ایام مرخصی را با هم

می‌گذرانند. صبح روز بعد ایگناتیوس خانواده‌اش را به دینی‌لند برد تا با عجایب آن جا آشنا شوند و خودش با هواپیما راهی نیویورک شد. در نیویورک لباس عوض کرد و با خرید بلیت عادی رفت و برگشت به ژنو پرواز کرد. در ژنو هتل ارزان قیمتی سراغ کرد و هشت ساعت خوابید. روز بعد فهرست بانکهایی را که در نیجریه تهیه کرده بود مرور کرد. ساختمان بانک از پنجره اتاقش دیده می‌شد که نصف خیابان را اشغال کرده بود. از همان بانک شروع کرد.

رئیس بانک با او ساعت ۱۲ وعده گذاشت. ایگناتیوس کمی پیش از موعد با کیف دستی کهنه‌ای وارد بانک شد. جوانی که در سرسرای بانک منتظر او بود زیر لب گفت: «نیجریه‌ای و وقت شناسی؟»

مرد جوان که کت و شلوار طوسی برانزنده‌ای به تن داشت و کراوات ابریشمی به همان رنگ بسته بود کرنشی کرد و خود را معاون بانک معرفی کرد و گفت که جناب وزیر را به اتاق رئیس بانک راهنمایی می‌کند. با هم سوار آسانسوری شدند که انتظارشان را می‌کشید. تا وقتی به طبقه یازدهم رسیدند حرفی نزدند.

معاون ضربه ملایمی به در زد و وقتی صدای رئیس را شنید در را باز کرد و گفت: «قربان وزیر دارایی کشور نیجریه!»

رئیس بانک از پشت میز بلند شد و به استقبال وزیر آمد. ایگناتیوس دید که رئیس بانک هم لباس و کراوات طوسی دارد.

«جناب وزیر بفرمایید.» وزیر را به آن طرف اتاق که میز شیشه‌ای کوتاه قرار داشت و دور آن میبل‌های راحتی چیده بودند راهنمایی کرد. «گفته‌ام قهوه بیاورند، میل دارید؟»

ایگناتیوس به موافقت سر خم‌اند و کیف دستی خود را کنار صندلی‌اش گذاشت. و از پنجره بزرگ بیرون را تماشا کرد. برای آنکه سر صحبت را باز کند از قواره بلند دریاچه ژنو حرف زد. زن جوانی قهوه آورد و همین که از اتاق بیرون رفت ایگناتیوس سر حرف را باز کرد.

- «رئیس دولت، مرا برای ماموریتی ویژه و درخواستی فوق العاده به نزد شما فرستاده است.»

رئیس و معاون بانک هیچ توجهی نکردند. جناب وزیر گفتند: «این افتخار را به من داده‌اند. که فهرست شهروندان نیجریه‌ای را که در بانک شما حساب مخصوص دارند، پیدا کنم.» رئیس بانک از شنیدن حرف او جا خورد و گفت: «معذرت می‌خواهم قربان ما مجاز به افشای ...»

وزیر کف سفید دست خود را روبه او گرفت و گفت: «اجازه بدهید موضوع را توضیح دهم. من از طرف دولت متبوع خودم اختیار تام دارم.»

از جیب بغل خود پاکتی در آورد و با حرکتی قوسی و نمایشی آن را به دست رئیس بانک داد. رئیس بانک نامه را خواند و سری تکان داد و گفت «جناب وزیر. حکم رئیس دولت شما در اینجا اعتباری ندارد.»

نامه را در پاکت گذاشت و دوباره به او برگرداند و گفت: «البته بنده تردیدی



ندارم که شما از طرف حکومت خودتان در مقام سفیر و وزیر اختیارات ویژه دارید. اما این موضوع نمی‌تواند اصل رازداری ما را تغییر بدهد. ما تحت هیچ شرایطی اسرار صاحبان حسابها را اعلام نمی‌کنیم مگر با اجازه خودشان. متأسفانه نمی‌توانم کمکی به شما بکنم. این مسایل جزو اساسنامه بانک بوده و هست و خواهد بود.

چون فکر می‌کرد دیگر حرفی نمانده بلند شد. اما ایگناتیوس سازش ناپذیر بالحنی ملایم گفت: «من اختیار تام دارم از بانک شما بخواهم که در کلیه مبادلات بین کشور ما و سوئیس بانک شما به عنوان کارگزار عمل کند.» رئیس بانک بدون آنکه بنشیند گفت: «جناب وزیر از اعتماد شما سپاسگزارم اما این موضوع در محرمانه بودن حسابهای ما تاثیری ندارد.»

ایگناتیوس با خونسردی گفت: «جناب رئیس به شما اخطار می‌کنم و در دستور صادره به سفیر کشورمان می‌نویسم که به وزارت امور خارجه سوئیس اطلاع دهد که بانک شما در تهیه اطلاعات مورد نیاز ما همکاری نکرده است.»

منتظر ماند تا حرفهایش تاثیر خود را بگذارد و ادامه داد: «البته شما خیلی راحت می‌توانید کار را به این مرحله نکشانید. کافی است اسم افرادی را که در بانک شما حساب دارند با میزان سپرده‌شان بدهید و کار را تمام کنید در عوض قول می‌دهم منبع اطلاعاتمان را فاش نکنیم.»

رئیس بانک گفت: «جناب وزیر شما مختارید که این کار را بکنید. اما وزیر خارجه ما به زبان مؤدبانه و

سیاست‌مدارانه به شما می‌گوید که وزارت خارجه نمی‌تواند از بانک بخواهد نام صاحبان حساب را افشا کند.» - «به وزارت بازرگانی دستور می‌دهم مبادلات تجاری با سوئیس را قطع کنند.»

- رئیس بانک گفت: «اختیار دارید بدهید. جناب وزیر!»

- «مجبورم در قرار دادهای بین نیجریه و سوئیس تجدید نظر کنم. حتی اگر بنا بر پرداخت خسارت هم باشد اینکار را می‌کنم.»

- «قریان فکر نمی‌کنید کمی عجولانه و نسنجیده باشد؟»

- «تردید نداشته باشید که کوچکترین تعللی در این زمینه نمی‌کنم. حتی اگر کار به مجادله هم بکشد من پای حرفم می‌ایستم.»

- «ما هم روش خودمان را تغییر نمی‌دهیم.»

- «همین امروز سفارشات مان را در اینجا می‌بندیم و سفیر کشور شما را به عنوان عنصر نامطلوب اخراج می‌کنیم.» رئیس بانک گریه‌ای به ابروها انداخت و حرفی نزد.

- «کنفرانس مطبوعاتی هم در لندن بر پا می‌کنیم تا ارباب جراید بدانند که در اختلاف بین بانک شما و کشور ما حق با دولت ما است. آن وقت خیلی‌ها به ماهیت بانک شما پی می‌برند و به بانک‌های دیگر رو می‌آورند.»

وزیر مکئی کرد اما رئیس بانک هیچ حرکتی از خود نشان نداد.

ایگناتیوس گفت: «پس راهی نمانده!» رئیس بانک دست دراز کرد تا با وزیر خداحافظی کند اما حیرت‌زده خشکش

زد. ایگناتیوس از جیب جلیقه‌اش تپانچه‌ای بیرون کشید و لوله آن را بیخ گوش او گذاشت. رئیس و معاون ترسان و هراسان ماندند.

«من آن اسامی را می‌خواهم. تا حالا باید دستتان آمده باشد که اهل شوخی نیستم. اگر لیست را به من ندهید یک گلوله توی مخ شما می‌زنم بعد هم نوبت معاونتان است.»

رئیس گفت: «نه! ما اهل معامله نیستیم.»

ایگناتیوس گفت: «به حد کافی فرصت داشتید.» و ماشه را چکاند. عرق از هفت بند رئیس جاری بود و معاون بژای آنکه چشمش به مغز متلاشی شده رئیس نیفتد صورتش را کج تاباند. ایگناتیوس تپانچه را پایین آورد و سر جایش نشست و گفت: «آفرین!» آن دو هنوز می‌لرزیدند و نای حرکت نداشتند. وزیر کیف دستی‌اش را برداشت و رمز آن را گشود. در کیف که باز شد دسته‌های اسکناس‌های صد دلاری جلو چشم آنها بود. کیف لبریز از اسکناس بود. رئیس بانک بایک حساب سرانگشتی حساب کرد که پنج میلیون دلار پول آن تو خوابیده است. ایگناتیوس گفت: «حالا بفرمایید چطور می‌توانم حسابی برای خودم باز کنم.»

مگر زور است؟

کجا باید صدا سر داد؟ در زیر کدامین آسمان، روی کدامین کوه؟ که از افلاک عالم بگذرد،
پژواک این فریاد.

فضا خاموش، زمین کر، آسمان کور است، نمی‌خواهم بمیرم، با که باید گفت؟؟...
اگر زشت و اگر زیبا، اگر دون و اگر والا، من این دنیای فانی را هزاران بار از آن دنیای باقی
دوست‌تر دارم.

به دوشم گرچه بار غم توانفرساست، وجودم گرچه گردآلود سختی‌هاست، نمی‌خواهم از
اینجا دست بردارم.

تنم در تار و پود عشق انسانهای خوب نازنین بسته است، دلم با صد هزاران رشته، با این خلق،
با این مهر، با این خاک، با این آب پیوسته است...

مراد از زنده ماندن، امتداد خورد و خوابم نیست، توان دیدن دنیای ره گم کرده در رنج و عذابم
نیست، هوای همنشینی با گل و ساز و شرابم نیست...

جهان، بیمار و رنجور است، دوروزی را که بر بالین این رنجور باید زیست، اگر دردی ز جاننش
بر ندارم، ناجوانمردی است.

نمی‌خواهم بمیرم،

تا محبت را به انسانها بیاموزم.

بمانم تا عدالت را برافروزم، بیفروزم، خرد را، مهر را، تا جاودان بر تخت بنشانم، به پیش پای
فرداهای بهتر گل برافشانم. چه فردائی، چه دنیایی، جهان سرشار از عشق و گل و موسیقی و
نور است!!!...

نمی‌خواهم بمیرم، ای خدا، ای آسمان، ای شب

نمی‌خواهم، نمی‌خواهم، نمی‌خواهم

«مگر زور است؟»

م. آزاده

